ذره‌بین

نجات کودک زنجانی از چنگال گرگ

شهروند| ۲ مرد روستایی که جان پسربچه ۱۸ماهه زنجانی را نجات داده‌اند، از لحظات دلهره‌آور و سخت‌کوشی‌های خود دربرابر گرگ گرسنه گفتند.

این ۲ مرد با فداکاری خود توانستند پس از تعقیب و گریز طولانی سرانجام گرگ را تسلیم خود کنند و با نجات کودک از دست این حیوان وحشی و درنده، مادر هراسان و چشم به راه را شاد و مسرور سازند.

سیدعلی موسوی یکی از دو مرد فداکار گفت: نزدیک درخانه مشغول پاک‌کردن قفس قناری‌ها بودم که به یکباره فریادهای زنی را شنیدم که درپی حیوانی می‌دود و چون بیشتر دقت کردم، متوجه شدم این حیوان گرگ است.

وی افزود: در نگاه اول فکر کردم که این گرگ، زباله‌ای را بر دهان گرفته و درحال فرار از دست این زن است اما وقتی فریادهای دادخواهی را شنیدم، قفس قناری را رها کرده و درپی آنها دویدم. چون نزدیک شدم، زن از فرزندش که طعمه گرگ شده بود، سخن به میان آورد و بی‌درنگ برای نجات جان این کودک خیز برداشتم و چون این حیوان وحشی و درنده برای بیرون‌آمدن از دره باید به بالای تپه می‌آمد، به صورت میان‌بر به نزدیک این نقطه تلاقی رسیده و درفاصله حدود ۱۰متری با هم رودررو شدیم و بدن و صورت پسربچه را که دست و پایش بر زمین کشیده می‌شد، خاک‌آلود دیدم.

موسوی افزود: پسربچه را خونین و بی‌حرکت در دهان این گرگ که هیچ ترسی نیز از من به دل نداشت، مشاهده کردم و چون دست خالی بوده و وسیله‌ای برای دفاع نداشتم، بنابراین برحسب غریزه در یک آن، خم شده و سنگی را از زمین به منظور پرتاب به طرف این حیوان برداشتم اما ترسیدم سنگ به کودک اصابت کند و کار بدتر از آن چیزی که هست، بشود و این فرصتی شد تا از یکدیگر فاصله بگیریم.

وی افزود: وقتی از رسیدن به گرگ ناامید شدم، برای برداشتن تلفن‌همراهم که دراین تعقیب و گریز بر زمین افتاده بود، به سوی محل بازگشتم و چون به مادر خسته و هراسان این کودک رسیدم، به منظور طلب کمک، درخواست گوشی کردم که گفت شارژ باتری تمام شده است که با شنیدن این پاسخ زمین و آسمان به دور سرم چرخید.

بی‌درنگ به دنبال گوشی خود گشتم، با یکی از اهالی روستا که درنزدیک همان محل زندگی می‌کرد، تماس گرفته و موضوع را درقالب کلماتی کوتاه بیان کرده و درخواست موتورسیکلت کردم.

وی تصریح کرد: حدود ۴ تا ۵ دقیقه بعد، با موتورسیکلت به ما نزدیک شد و بلافاصله درپی گرگ روان شدیم اما تنها چیزی که مرا برای یافتن این حیوان درنده امیدوار می‌کرد، لباس قرمزرنگ این پسربچه بود که پس ازطی مسافتی بالاخره از دور این نشان را مشاهده کردیم و بر سرعت وسیله نقلیه افزودیم.

موسوی افزود: بالاخره به این گرگ نزدیک و نزدیکتر شدیم و چون خود را درچند قدمی ما دید، از ترس، کودک را بر زمین گذاشت و پس از نگاهی خشمناک از ما دور شد و وقتی به صحنه رسیدیم، کودک را که چشم‌هایش باز بود و نفس می‌کشید، دربغل گرفتیم اما ترسیده و بدنش نیز شل شده بود.

وی ادامه داد: هنگام بازگشت درمیانه مسیر، مادر کودک را که سراسیمه و خسته درپی گرگ بود را دیدیم و با صدای بلند سلامتی خبر جگرگوشه‌اش را دادیم و برای مداوا و درمان کودک زخمی را با خودروسواری به بیمارستان امیرالمومنین خدابنده رساندیم.

موسوی گفت: جای دندان‌های تیز فرو رفته بر ناحیه شکم، پهلو و پشت بدن این کودک هنوز هویدا بود و صورتش و دست و پایش نیز خونین و خاکی بود و حتم دارم که لباس ضخیم و زمستانی کودک مانع از دریده‌شدن بیشتر بدنش شده بود. مادر کودک حادثه‌دیده نیز، گفت: ظهر سه‌شنبه ۲۹ فروردین‌ماه، گرگ درنده و بزرگ جثه‌ای، کودکم را در برابر چشمانم به دهان گرفته و با خود می‌برد و من نیز هراسان و نالان به دنبالش می‌دویدم. صغری گنج خانلو افزود: کودکان خودم و بچه برادرم با خیالی آسوده و آرام مقابل درخانه مشغول بازی‌های کودکانه بودند که ناگهان کودکم مورد هجوم این گرگ قرار گرفت و اگر آن ۲ مرد همسایه نبودند، به حتم اکنون فرزندم درمیان ما نبود و هرگز فداکاری آنان را فراموش نخواهم کرد. کودکم به دلیل مشکلات کبد و ریه هنوز در بیمارستان بستری است و بهبودی کامل نیافته است.

محاکمه ۳ آدم‌ربای خطرناک در دادگاه جنایی

شهروند| دو مرد ثروتمند با گیر افتادن در تله آدم‌رباهای سارق، به سرنوشت‌های تلخی دچار شدند. یکی از این قربانی‌ها، پیرمردی بود که ۵ روز تمام در تله مرد آدم‌ربا اسیر شد و در حالی که باید برای آزادی خودش ۸میلیارد تومان پول می‌داد، فرار کرد. اما مرد دیگر سرنوشت وحشتناک‌تری داشت. او اسیر دو سارق خطرناک شد و درنهایت تنها به خاطر دومیلیون تومان پول، با سیانور به قتل رسید. این آدم‌رباها صبح دیروز در مقابل هیأت قضایی دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفتند و بار دیگر جزییات ماجرا را تشریح دادند.

آدم‌ربایی ۸ میلیاردی

نخستین پرونده مربوط به پیرمردی ۷۰ ساله است که صبح روز ۲۶ اسفند سال ۹۴ گرفتار مردی جوان شد و ۵ روز تمام در خانه این مرد اسیر شد. این مرد زمانی که سوار بر خودرو خود در پارکینگ خانه‌اش در تهرانپارس بود، ناگهان مردی ناشناس سوار خودرواش شد و با تهدید اسلحه و شوکر او را به یک خانه برد. پیرمرد که شوکه شده بود، دست و پا بسته در این خانه ۵ روز اسیر ماند. مرد آدم‌ربا درخواست ۸میلیارد تومان پول داشت که درنهایت، قربانی موفق به فرار شد. او بلافاصله با فرزندانش و پلیس تماس گرفت و همان روز مرد آدم‌ربا نیز دستگیر شد. وی در بازجویی‌ها با اعتراف به جرم خود، به ماموران گفت: «مشکلات مالی زیادی داشتم. برای همین دست به این آدم‌ربایی زدم. تصور می‌کردم که با این آدم‌ربایی پول زیادی گیرم می‌آید. ولی این پیرمرد تنها یک چک ۱۳۸میلیون تومانی به من داد. دیگر نمی‌دانستم باید چکار کنم، تا این‌که او موفق به فرار شد.»

این مرد در ادامه ادعا کرد که مردی به نام امیر او را برای این آدم‌ربایی اجیر کرده است؛ ولی با دستگیری امیر دوباره این ادعای خود را پس گرفت. بنابراین با اعترافات این مرد، پرونده وی برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی زالی برگزار شد.

در این جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای متهم تقاضای مجازات کرد. در ادامه شاکی در جایگاه ایستاد و در حالی که با یادآوری آن ۵ روز اشک می‌ریخت، به هیأت قضایی گفت: «من کارخانه‌دار بودم و وضع مالی خوبی داشتم. آن روز این مرد ناشناس ناگهان سوار خودرو ام شد و با تهدید از من خواست که بیرون از پارکینگ بروم. من هم از ترسم حرکت کردم. او که اسلحه کمری و شوکر به همراه داشت، خودش را سرگرد پلیس آگاهی معرفی کرد و گفت گزارش شده که با خودروام یک جسد جابه‌جا شده است. من که از شنیدن این حرف شوکه شده بودم، همراه او رفتم. این مرد در راه چشم‌هایم را بست و مرا با خودش به یک خانه برد. او در خانه دستم را به شوفاژ بست و مرا زندانی کرد. در ازای آزادی‌ام ۸میلیارد تومان پول خواست. من یک چک ۱۳۸ میلیونی به او دادم ولی راضی نمی‌شد. او از همه جزییات زندگی شخصی‌ام باخبر بود؛ مرتب می‌گفت که می‌خواهم تو را بکشم، ادعا می‌کرد که سه مرد دیگر در مقابل خانه ایستاده‌اند و اگر حرفی بزنم یا بخواهم فرار کنم، آنها مرا می‌کشند. این مرد حتی تهدیدم می‌کرد که فرزندانم را به اینجا می‌آورد و در مقابل چشمانم آنها را می‌کشد. خیلی روزهای سختی بود. خودش هم اصلا حالت طبیعی نداشت. حتی یک بار می‌خواست خودش را بکشد که من با صحبت‌هایم مانعش شدم. مرتب می‌گفت که بی‌پول است و به پول نیاز دارد. در این مدت از من پول می‌گرفت و غذا می‌خرید. تا این‌که روز اول عید، متوجه شدم که مرد آدم‌ربا حال طبیعی ندارد؛ برای همین فرصت را مناسب دیدم و موفق شدم از خانه‌اش فرار کنم و با پلیس تماس بگیرم. من مطمئنم که یک مرد به نام امیر که از قبل او را می‌شناسم، او را برای ربودن من اجیر کرده است. باور کنید این اتفاق تأثیر بدی در روحیه‌ام گذاشته و باعث شده تا کارخانه‌ام را تعطیل کنم. برای همین رضایت نمی‌دهم.»

پس از آن متهم که با قرار وثیقه آزاد است، در جایگاه ایستاد. وی درباره اتهامات خود به هیأت قضایی گفت: «من تمام اتهاماتم را قبول دارم. اما اسلحه و شوکر واقعی نبود. من یک سال است که واقعیت را پنهان کرده‌ام اما حالا می‌خواهم حقیقت را بگویم. در واقع این امیر بود که نقشه آدم‌ربایی را کشید ولی در میانه راه مرا تنها گذاشت. من پخش‌کننده مواد غذایی بودم و وضع مالی خوبی داشتم اما به‌خاطر پول نزول ورشکست شدم. تا این‌که در باشگاه با امیر که مربی بود، آشنا شدم. با او رفیق صمیمی شدم و مرتب با هم درد دل می‌کردیم. او می‌دانست که من وضع مالی خیلی بدی دارم. برای همین به من کمک می‌کرد. تا این‌که یک روز از این پیرمرد برایم گفت. از آن روز به بعد مرتب از این پیرمرد و وضع مالی خوبش برایم می‌گفت. امیر گفت که خواهرش آرایشگر است و مستاجر یکی از ملک‌های پیرمرد است.

او حتی روی کاغذ نقشه خانه پیرمرد را هم برایم کشید و گفت که اگر او را با خود بیاورم، پول میلیاردی گیرمان می‌آید. نقشه این آدم‌ربایی را کشید و من هم طبق نقشه پیرمرد را ربودم و با خودم به خانه‌ام آوردم. از قبل همسرم را به خانه مادرش فرستاده بودم؛ اما وقتی این پیرمرد را به خانه‌ام بردم، هر چه با امیر تماس گرفتم، پاسخی نداد. گرفتار شده بودم و نمی‌دانستم با این پیرمرد چکار کنم که به فکر خودکشی افتادم اما او مانع کارم شد. به من یک چک ۱۳۸میلیون تومانی داد، اما این چک برایم کافی نبود. برای همین این چک را داخل خودرواش گذاشتم. بعد از دستگیری در اداره آگاهی اعتراف کردم که امیر طراح نقشه آدم‌ربایی بوده اما امیر گفت که اگر ادعایم را پس بگیرم، می‌تواند ظرف ۲۰ روز از طریق خواهرش برایم رضایت بگیرد اما پیگیری نکرد. برای همین تصمیم گرفتم واقعیت را بگویم.»

پس از صحبت‌های این مرد، در پایان این جلسه هیأت قضایی وارد شور شدند تا رأی را صادر کنند.

قتل مهندس عمران در اوپتیما

جلسه محاکمه قاتلان مهندس عمران، دومین پرونده‌ای بود که صبح دیروز در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد. این پرونده به روز ۱۲ اسفندسال ۹۴ برمی‌گردد. آن روز مرد جوانی به پلیس مراجعه کرد و خبر از ناپدیدشدن برادر ۴۰ ساله‌اش داد. وی گفت: «برادرم مهیار، در خانه مجردی‌اش زندگی می‌کرد. او که مهندس معمار است، صبح دیروز از خانه‌اش به قصد رفتن به محل کارش خارج شد. اما دیگر خبری از او نشد؛ نه موبایل و نه تلفن خانه‌اش را جواب نمی‌داد. کم‌کم نگران شدم چون مطمئن بودم برادرم هرجا باشد، شب به خانه برمی‌گردد. برای همین به خانه‌اش رفتم و وقتی دیدم هیچ اثری از او نیست، تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس اطلاع دهم.»

با اعلام این شکایت موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت و تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را برای پیداکردن مهندس ناپدیدشده آغاز کردند. ماموران به بررسی حساب‌های بانکی مرد ناپدیدشده پرداختند که مشخص شد پس از ناپدیدشدن مهندس، ۲میلیون تومان ازحساب وی برداشت شده است. ادامه تحقیقات حاکی از آن بود که فردی با کارت عابربانک از یک طلافروشی درپایتخت خرید کرده است. تحقیقات بعدی نشان داد که زن جوانی درست ۳روز پس از ناپدیدشدن مهندس معمار، به این طلافروشی رفته و حدود ۲میلیون تومان طلا خریده است. در ادامه دوربین مداربسته طلافروشی بررسی شد و ماموران با به دست آوردن تصویر این زن جوان و انجام ردیابی‌ها، درنهایت توانستند او را دستگیر کنند. این زن تحت بازجویی قرار گرفت و به ماموران گفت: «کارت عابربانک را از پسر مورد علاقه‌ام به نام اکبر گرفتم. او این کارت را به من داد تا شب عید برای خودم خرید کنم. اصلا اطلاعی ندارم که کارت را چگونه به دست آورده است.»

پس ازصحبت‌های این زن جوان تحقیقات برای شناسایی اکبر آغاز شد و درنهایت این پسر ۳۰ساله، دستگیر شد. این پسر دربازجویی‌های نخست سعی کرد منکر هرگونه اطلاعی از سرنوشت مرد ناپدیدشده شود. با وجود انکار این پسرجوان، کارآگاهان تحقیقات خود را از او ادامه دادند و از آنجایی که مدارک و شواهد همگی برعلیه این پسر بود، درنهایت پس از ساعت‌ها بازجویی پسرجوان قفل سکوت را شکست و با اعتراف به جنایت خاموش، راز سرنوشت تلخ مهندس جوان فاش شد.

متهم دربازجویی‌ها مدعی شد که مهندس را می‌شناخته و به خاطر سرقت اموالش دست به قتل او زده است. او مدعی شد که پس ازقتل جسد مقتول را داخل صندوق عقب اپتیمای او گذاشته و درخیابانی در غرب پایتخت رها کرده است.

پس از اعتراف وی خودرو و جسد قربانی که ۸روز از مرگش می‌گذشت، کشف شد. درحالی که بررسی‌ها دراین‌باره ادامه داشت، شکایت مشابهی دراین‌باره پیش‌روی تیم تحقیق قرار گرفت. در ادامه مشخص شد که این قاتل ۳۰ساله چند روز پیش از قتل مهندس جوان، به همراه پسر دیگری راننده یک خودروی سوزوکی را شناسایی کرده و با ربودن وی قصد سرقت خودرو و اموالش را داشته اما راننده توانسته بود از دست متهم و همدستش فرار کند. همین کافی بود تا متهم بار دیگر مورد بازجویی قرار بگیرد. این بار پسرجوان به ماموران گفت که اصلا مهندس جوان را نمی‌شناخته است. وی گفت: «با یکی از دوستانم نقشه سرقت از راننده خودروهای مدل بالا را کشیدیم. پیش ازمقتول قصد سرقت از راننده سوزوکی را داشتیم، اما نشد. مهندس را هم درخیابان شناسایی کردیم و سوار خودرواش شدیم. در راه قرص سیانوری که از قبل تهیه کرده بودیم را به او دادیم. وقتی قرص را به او خوراندیم، مهندس را با دست و پای بسته داخل صندوق عقب گذاشتیم و خودرواش را کنار خیابان رها کردیم.»

پس از اعترافات وی، همدستش دستگیر شد و پس از تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه کیفری فرستاده شد.

صبح دیروز این دو متهم درشعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. دراین جلسه که به ریاست قاضی اصغرزاده برگزار شد، وکیل اولیای دم درجایگاه ویژه ایستاد و برای متهمان درخواست مجازات کرد.

پس از آن متهم ردیف اول به هیأت قضائی گفت: «من و بهزاد هر دو در یک فروشگاه کار می‌کردیم و وضع مالی خیلی بدی داشتیم. برای همین به فکر سرقت افتادیم. به دنبال طعمه می‌گشتیم که به صورت اتفاقی یک مرد جوان را سوار بر اپتیمای سفیدرنگ دیدیم و او را تعقیب کردیم. چند روزی را مقابل درخانه‌اش کشیک دادیم. روز حادثه وقتی او به پارکینگ خانه‌اش آمد و با ریموت در اتوماتیک راباز کرد، ما هم پشت سر او وارد شدیم.

من و بهزاد چاقو همراه داشتیم که سوار خودروی مقتول شدیم و با چاقو او را تهدید کردیم تا کارت‌های عابربانکش را به ما بدهد. او سه کارت به ما داد و گفت که دراین کارت‌ها ۲میلیون و ۷۰۰هزار تومان است، اما برای برداشت پول لازم بود تا صبح روز بعد صبر کنیم. به همین دلیل چند کپسول را که از قبل داخل آن گرد سیانور ریخته بودم، به مهیار دادم. نمی‌دانم چه شد این قرص‌ها را به او دادم. باور کنید انگیزه‌ام کشتن مقتول نبود. می‌خواستم با این قرص‌ها خودم را بکشم. او التماس می‌کرد که دست از سرش برداریم، اما من به او قول دادم بعد از خوردن قرص‌ها بیهوش می‌شود و چند ساعت بعد به هوش می‌آید. او هم قرص‌ها را خورد اما حالش بد شد. می‌خواستم او را به بیمارستان برسانم، اما دیدم که دیگر نفس نمی‌کشد. برای همین از ترس جسدش را در صندوق‌عقب خودرواش گذاشتیم و در ۳۵متری گلستان رها کردیم. سپس کارت عابربانک را به یک دخترجوان که از دوستانمان بود، دادیم.»

پس از آن متهم ردیف دوم نیز به قاضی گفت: «من به مقتول قرصی ندادم. می‌خواستم او را با اتر بیهوش کنم، ولی اکبر اصرار داشت قرص‌ها را به او بدهیم. من فقط به مقتول آب دادم. قرص‌ها را اکبر به او خوراند.»

درپایان این جلسه نیز، هیأت قضائی وارد شور شدند تا رأی خود را در این‌باره صادر کنند.

بیهوشی نگهبانان برای سرقت عتیقه

مهر| باند چهارنفره حفاری و کشف عتیقه‌جات درشهرستان دماوند متلاشی شد. باند چهارنفره که به انگیزه حفاری و کشف عتیقه‌جات، قصد حفاری درمنطقه دماوند، روستاهای اطراف و امامزاده‌ها را داشتند، در اقدامی اولیه جهت تحقق اهدافشان مبادرت به نوشاندن داروی بیهوشی دست‌ساز از داروهای داروخانه‌ای و نوشیدنی تحت عنوان شربت به عوامل امامزاده کردند. تعداد ۱۰ الی ۱۲نفر از افراد مصرف‌کننده دارو دچار بیهوشی شده و راهی بیمارستان شدند؛ به این ترتیب افراد سودجو در ساعات نیمه‌شب وارد امامزاده‌ها شده و قصد بازکردن قفل‌های امامزاده را داشتند که خوشبختانه موفق نشدند. دادستان عمومی و انقلاب اسلامی شهرستان دماوند با اعلام این خبر، گفت: پس از اطلاع دادسرا از این موضوع، پلیس امنیت وارد شده و با پیگیری موضوع، استفاده از ردیاب‌ها و تعقیب متهمین، درکمترین فرصت توانستند این افراد را شناسایی و دستگیر کنند.

ابراهیمی بسابی تأکید کرد: این گروه برای نخستین‌بار اقدام به چنین عملی کرده بودند که خوشبختانه با تصمیمات و اتخاذ تدابیر پلیسی، بلافاصله دستگیر و روانه زندان شدند. وی اظهار کرد: اقدام این افراد غیرانسانی و مغایر با قوانین و مقررات است؛ لذا به جهت حفظ آرامش، سلامت و امنیت مردم، شدیدترین قرار برای آنها صادر شده و دربازداشت به سر می‌برند. سایر متهمان این پرونده نیز شناسایی و انگیزه‌های اقدام مجرمانه آنها مورد بررسی قرار دارد تا درنهایت تصمیم قضائی دراین خصوص اتخاذ شود.

دادستان عمومی و انقلاب اسلامی شهرستان دماوند اظهار داشت: متأسفانه راهنمای این افراد بومی بوده است و سایر افراد ظاهرا غیربومی و از اشخاص سابقه‌دار در امر کشف عتیقه‌جات و حفاری‌های غیرمجاز هستند.

ابراهیمی بسابی درخصوص حفاری‌های صورت‌گرفته در ایام نوروز خاطرنشان کرد: خوشبختانه در ایام تعطیلات نوروز، یک مورد حفاری درحال انجام با اقدامات به‌موقع دادسرا ناموفق ماند؛ لذا از مردم عزیز به جهت حفظ آثار و تمدن شهر تشکر می‌کنیم و درخواست داریم تا همکاری‌های لازم را دراین خصوص انجام دهند.

آژیر

عروسی مرگبار

ایرنا| اجرای رسم نادرست تیراندازی در عروسی در روستای «چمن بید» شهرستان لردگان یک کشته برجای گذاشت. در این آیین نادرست مرد ۳۹ ساله‌ای که خودش از اسلحه استفاده می‌کرد به علت سهل‌انگاری و برخورد ساچمه، از ناحیه پهلو مجروح شد. تیراندازی در محافل عروسی و عزا در برخی شهرهای چهارمحال وبختیاری و استان‌های همجوار به‌عنوان یک آیین نادرست رواج دارد که در برخی موارد این آیین‌ها را به مصیبتی برای شرکت‌کنندگان در مراسم تبدیل می‌کند. مصدوم به‌بیمارستان شهدای لردگان منتقل شد، اما به علت شدت جراحت جان باخت. در سال‌های اخیر، برای از بین بردن این رسم غلط نشست‌های مختلفی بین ریش‌سفیدان، سران طوایف و قبایل مختلف استان برگزار شده است، اما همچنان رواج دارد.

«علی ملاخ» دستگیر شد

شهروند| دزدان مسلح جیرفت که امنیت را از مردم این شهر گرفته بودند به دام قانون افتادند. وقتی گزارش‌های متعدد مبنی بر سرقت مسلحانه از تعدادی پمپ بنزین، سرقت مسلحانه پول نقد، اسناد و احشام از شهروندان به ماموران پلیس ارایه شد، رسیدگی به این پرونده و دستگیری سارقان در دستور کار دادستانی و پلیس قرار گرفت. طی یکسری اقدامات پلیسی و در یک عملیات غافلگیرانه سرکرده این باند به همراه دوتن دیگر از اعضای این باند در شهرستان عنبرآباد توسط ماموران پلیس آگاهی دستگیر شدند. در این عملیات یک قبضه کلت کمری همراه با مقادیری فشنگ به همراه یک دستگاه خودرو سواری از سارقان کشف و ضبط شد. اعضای این باند تاکنون به ۵فقره سرقت مسلحانه اعتراف کرده‌اند. پرونده در شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان عنبرآباد درحال رسیدگی است و مالباختگان می‌توانند جهت طرح شکایت به این دادسرا مراجعه کنند.

قم، ایستگاه آخر سارق جلو بانکی

شهروند| یک سارق جلو بانکی در قم دستگیر شد و متهم در مجموع به ۱۲۲ سرقت در چهار استان کشور و هشت سرقت در قم اعتراف کرد. در پی وقوع چندین سرقت جلو بانکی در قم موضوع در دستور کار ماموران آگاهی استان قرار گرفت. سارق در ساعاتی از روز با تعقیب مشتریان بانک‌ها از غلفت آنها استفاده و پول درون خودروشان را سرقت می‌کرد. با بررسی جغرافیای جرم و انجام اقدامات پلیسی در نهایت سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار در یکی از استان‌های غربی شناسایی شد. بلافاصله با هماهنگی مقام قضائی اکیپی از ماموران آگاهی استان به مخفیگاه وی اعزام شدند و سرانجام متهم دستگیر شد. متهم طی چندین نوبت تحقیقات فنی در پلیس آگاهی استان لب به اعتراف گشود و به هشت سرقت در قم و در مجموع به ۱۲۲ فقره سرقت در چهار استان دیگر اعتراف کرد.

تشییع پیکر شهید نیروی انتظامی در اهواز

شهروند| پیکر ستوان دوم شهید سعید طرفی از ماموران نیروی انتظامی خوزستان و کلانتری ۱۵ اهواز روز شنبه با حضور جمعی از مردم و مسئولان در اهواز تشییع شد. آیین وداع و تشییع پیکر شهید ستوان دوم سعید طرفی که هنگام دستگیری یک سارق حرفه‌ای به شهادت رسید در محل فرماندهی انتظامی خوزستان و بلوار قدس اهواز برگزار شد. سپس پیکر این شهید برای تدفین و خاکسپاری به گورستان سیدهادی از توابع حمیدیه منتقل شد. در روز ۳۱ فروردین‌ماه ماموران وظیفه‌شناس کلانتری ۱۵ اهواز برای دستگیری یک سارق حرفه‌ای وارد عمل شدند و پس از ورود به منطقه‌ای که سارق در آن‌جا حضور داشت، قصد دستگیری وی را داشتند که این سارق با دیدن ماموران پلیس با خودرو اقدام به فرار کرد. این سارق هنگام فرار با مامور وظیفه‌شناس و جان برکف، ستوان دوم سعید طرفی روبه‌رو شد و او را با خودرو خود زیر گرفت اما سایر ماموران، از متواری شدن سارق جلوگیری و وی را که یک مالخر بود، دستگیر کردند. ستوان دوم سعید طرفی در این حادثه به دلیل جراحات شدید به درجه شهادت نایل شد.